

اهل بیت نبوی و جایگاه آنان

از دیدگاه اهل سنت و جماعت

عبدالقادر دهقان

چکیده: محبت اهل بیت حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم، یک واجب شرعی است، و بر هر فرد مسلمان لازم است جایگاه، ویژگی ها و مناقب اهل بیت نبوی را در پرتو قرآن و سنت بشناسد و چنان که باید ارج بنهد. همچنین وظیفه دارد از افراط و تفریط در حق آنان دوری جوید و میانه ترین گزینه را که مقتضای عدالت و انصاف است برگزیند و از خوارج و نواصب و غالیان اعلام برائت کند. این تحقیق می کوشد تا سیمای راستین اهل بیت و محبان واقعی آنان را در پرتو منابع معتبر اسلامی ترسیم کند.

کلید واژه: اهل بیت، تطهیر، اهل کساء، نساء النبی، عصمت، اهل، آل، عشیره، عترت.

مقدمه

دوستی با اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قضیه ای است که نیاز به اثبات ندارد؛ همه فرق اسلامی آن را قبول دارند و به آن مباحث می کنند. اما در تعیین مصداق اهل بیت نبوی اختلاف نظر وجود دارد و این موضوع از دیرباز مورد مناقشه و بحث کلامی بوده است. در این نوشتار کوشیده ایم به دور از مناقشه های لفظی با توجه به تعبیر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و فهم مستمعان کلام الهی با زبان ساده و عام فهم، واقعیت مسئله را به تصویر بکشیم.

موثق ترین منابع شناخت اهل بیت در یک نگاه عبارتند از:

۱- قرآن کریم؛ ۲- سیره عملی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم؛ ۳- دیدگاه صحابه و مستمعان کلام نبوی و مشاهده کنندگان رفتار پیامبر؛ ۴- سیره و گفتار خود اهل بیت.

نخست به واژه شناسی "آل" و "اهل" می پردازیم و سپس به شناخت مصداق اهل بیت در پرتو منابع پیش گفته روی می آوریم.

معنی آل در لغت نامه ها

در کتابهای لغت، واژه "آل" و "اهل" را این گونه معنی کرده اند:

آل: دودمان، اهل خانه، خاندان، فرزندان، خانواده، منسوبین، خویشاوندان، پیروان، بستگان.

اهل: همسر، زوجه، افراد خانواده.

تاهل: ازدواج کردن؛ متاهل: همسر دار.

اهل بیت: اهل خانه، مردم خانه، افراد خانواده، اهل بیت پیامبر.^(۱)

فرق بین آل و اهل

اغلب، این دو واژه به جای یکدیگر به کار می روند و بعضی گفته اند: "آل"، در اصل "اهل" بوده است، هاء به همزه بدل شده و همزه ثانی به واسطه توالی همزین به الف تبدیل شده است.^(۲) این نظریه سیبویه و جمهور نحویان بصری است. اما عده ای دیگر از علما می گویند: لفظ "آل" در اصل "آول" بوده است؛ و او ما قبل مفتوح به الف تبدیل شده است، مانند قال که در اصل قوَل بوده است. این قول از امامان نحو، مانند کسایی و یونس نقل شده است و محققان نیز آن را برگزیده اند و مطابق با قیاس نیز هست. این گروه می گویند: اهل و آل از نظر معنی و کاربرد و مصداق، تفاوت های زیادی با هم دارند.

علامه موسی روحانی بازی، در کتاب "لطفائف البال فی الفروق بین الأهل و الآل" درباره تفاوت های این دو واژه، محققانه

صلی الله علیه وآله وسلم و خانواده اش نیز به کار رفته است. آیه های زیر را با دقت بخوانید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ اِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقُرْنِ فِي بَيْوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا [احزاب: ۳۲-۳۴] ای همسران پیامبر! شما مانند هیچ یک از [سایر] زنان نیستید، اگر پرهیزگار باشید؛ پس هنگام سخن گفتن صدا را نرم و نازک نکنید که انسان بیمار دلی طمع کند. و به صورت شایسته و برازنده سخن بگویند. و در خانه های خود بمانید و همچون زینت نامی [عصر] جاهلیت پیشین اظهار زینت و خودنمایی نکنید. و نماز برپای دارید و زکات پردازید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. [هدف از این دستور العمل آن است که] همانا خداوند می خواهد پلیدی را از شما ای اهل بیت [پیغمبر] دور کند و چنانکه باید شما را پاکیزه گرداند. و هر آنچه از آیات خدا و حکمت در خانه های شما خوانده می شود [پیامزید و برای دیگران] یاد کنید، همانا خداوند باریک بین و آگاه است.

خداوند در این آیه ها ابتدا همسران پاک شده پیامبر اسلام را به رعایت امور خاصی سفارش می کند و تذکر می دهد که شما مانند سایر زنان نیستید و به دلیل انتساب به بیت نبی از مقام والایی برخوردار هستید؛ سپس می فرماید: این دستور العمل بدان منظور است که خداوند می خواهد آلودگی ها را از شما اهل بیت نبوی دور کند و شما را پاک و پاکیزه بگرداند، پس باید این دستور العمل را رعایت کنید.

از دیدگاه علمای اهل سنت آیه تطهیر با آیه های قبل و بعد از آن در شأن ازواج و همسران گرامی برترین رسول رب العالمین فرود آمده است و سبب نزول آیه، ازواج هستند و پس از نزول آیه، رسول اکرم اهل کساء را بر اساس مفهوم کلی و عمومی اهل بیت به این شرف مفتخر گردانیده است. بنابراین، مراد از اهل بیت در آیه، ازواج و ذریه پیامبر گرامی اسلام هستند.^(۳)

دلالت آیه به همسران پیامبر چنان قوی و صریح است که جای هیچ گونه تأویل و شک باقی نمی ماند. از اینجا است که عده ای مانند عکرمه، اهل بیت نبوی را فقط به همسران پیامبر منحصر می دانستند، اما صحیح آن است که ازواج، گروهی از اهل بیت هستند.^(۴) رئیس مفسران، حضرت ابن عباس و سعید بن جبیر و عروه بن زبیر می گویند: این آیه در حق همسران پاک پیامبر فرود آمده است.^(۵)

به همین دلیل، واژه "مطهرات" به همسران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اختصاص یافته است.

بررسی چند شبهه

در این جا چند سؤال مطرح شده است که به ظاهر ایجاد شبهه می نمایند: شبهه اول: اگر واژه "اهل بیت"، در برگیرنده زنان پیامبر است چرا به جای ضمیر مؤنث، ضمیر جمع مذکر (منکم - یطهرکم) به کار رفته است؟ پاسخ نخست: اصولاً در قرآن کریم هر جا واژه "اهل" به کار رفته

بحث کرده است و بیش از سی فرق بین این دو واژه بر شمرده است که نقل آنها از حوصله این نوشتار خارج است، علاقه مندان می توانند به این کتاب مراجعه کنند.

واژه اهل بیت در اصطلاح قرآن

واژه "اهل بیت" در قرآن کریم به طور مجموع (اعم از صیغه معرفه و نکره) سه بار آمده است، و در هر سه مورد به خانواده و همسر اطلاق شده است هر چند این اطلاق به معنای تخصیص واژه نیست. به آیه های زیر توجه کنید:

۱- "قَالُوا أَعْجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ، رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ [هود: ۷۳]؛ فرشتگان گفتند: آیا از قدرت خدا تعجب می کنی؟! رحمت و برکات خدا بر شما اهل بیت باد..

آیه بالا خطاب به ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام، است. ۲- "قَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ؟" خواهر حضرت موسی گفت: آیا می خواهید اهل خانه ای را که کفالت او را بر عهده گیرند به شما معرفی بکنم؟

منظور از اهل بیت در این آیه، همسر عمران، مادر حضرت موسی علیه السلام، است.

۳- "إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ [احزاب: ۳۳]؛ خدا می خواهد پلیدی و زشتی را از شما ای اهل بیت دور کند. این آیه خطاب به همسران و اهل بیت پیامبر اسلام است.

اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند؟

در باره مصداق انحصاری اهل بیت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم، نظریه های متفاوتی نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

الف: اهل بیت، کسانی هستند که زکات بر آنان حرام قرار داده شده است؛ یعنی بنی هاشم و بنی عبدالمطلب یا تنها بنی هاشم، اما در این میان بعضی از اهل بیت مانند: حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین رضی الله عنهم از دیگران خاص ترند.^(۶)

ب: اهل بیت "ازواج و ذریه" پیامبر هستند.

ج: اهل بیت تنها علی، فاطمه، حسن و حسین رضی الله عنهم هستند. د: اهل بیت تنها امهات المؤمنین و همسران آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم هستند.

نظریه های دیگری هم وجود دارد که مورد بحث نیستند. صاحبان هر یک از دیدگاههای یاد شده برای خود دلایلی دارند و آیات و احادیث را به گونه ای تفسیر می کنند که مؤید دیدگاه آنان باشد.

اهل بیت نبوی در قرآن

نخست ببینیم که به طور اساسی چه کسانی در قرآن کریم اهل بیت نبوی نامیده شده اند. در قرآن، همان گونه که واژه اهل بیت، برای حضرت ابراهیم و خانواده اش به کار رفته است، برای حضرت محمد

نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هستند، اما نباید اهل بیت نبوی را فقط به همسران ایشان منحصر دانست؛ بلکه گستره آن وسیع تر است و همه مردان و زنان اهل بیت را دربر می گیرد.

این موضوع را در قالب یک مثال می توان این گونه تفهیم نمود: به طور مثال رئیس جمهور کشوری دیگر در مراسم تقدیر از برگزیدگان یک المپیاد علمی، به چند ایرانی که در آن المپیاد به رتبه های ممتازی دست یافته اند، بگوید: "شما اهل ایران از هوش بالایی برخوردار هستید؛ مسلم است که هر چند شأن ورود این جمله و مخاطب اصلی آن همان چند نفر هستند، اما همه ایرانیان در مفهوم "اهل ایران" داخل هستند، گرچه ضریب هوشی تک تک ایرانیان با آن چند نفر ممتاز برابر نباشد. در این جا نیز هر چند روی سخن به ازواج مطهرات است، اما همان گونه که احکام بیان شده در این آیه ها مخصوص ازواج نیست، بلکه همه زنان مسلمان را دربر می گیرد، واژه اهل بیت نیز مخصوص آنان نیست و برای همه اهل بیت نبوی عام است.

پاسخ سوم: این اعتراض مانند آن است که کسی بگوید چرا لفظ "أحد" در ابتدای آیه با صیغه مذکر آمده است: "لستن كأحد من النساء". هر توجیهی که در مورد کلمه "أحد" گفته شود درباره لفظ اهل و تذکیر ضمیر آن نیز صدق می کند.

علامه دهلوی می گوید: "اهل البیت" اسم جنس است و اطلاق آن بر کثیر و قلیل جایز است.^(۳)

ترکیب "اهل بیت" گرچه از نظر لفظ مذکر است، اما مصداق آن فقط به مذکر اختصاص ندارد. در ادبیات عرب نظایر زیادی وجود دارد که اعتبار لفظ با معنا متفاوت است و در چنین مواردی، گاه لفظ را لحاظ می کنند و گاه معنارا. به طور مثال لفظ "من" به اعتبار لفظ مفرد است ولی به اعتبار معنا جمع است. در یک آیه قرآن هر دو جنبه رعایت شده است: "ومن الناس من يقول آمنا بالله وبالیوم الآخر وما هم بمؤمنین". در این آیه، نخست نظر به رعایت لفظ، صیغه واحد "يقول" آمده است، و در آخر آیه به اعتبار معنا، ضمیر جمع "هم" به کار رفته است. در آیه تطهیر نیز نظر به ظاهر لفظ "اهل بیت" که مذکر است، ضمیر "کم" آمده است.

از اینجا دانسته می شود که لفظ "اهل" همانند کلمه "الناس" اسم جنس است و برای مذکر و مؤنث یکسان به کار می رود.

نکته: مراد از طهارت، طهارت تشریعی است، نه تکوینی که آن ویژه انبیاست؛ زیرا واژه "أذهب" که به معنای زدودن و پاک کردن است، نظریه عصمت اهل بیت را از گناه، رد و نقض می کند، و چنین استدلالی از آیه، با سبک بلاغت قرآنی هماهنگ نیست؛ زیرا آیه به وجود رجس دلالت دارد؛ یعنی رجس وجود داشته است و بعد خداوند آن را پاک کرده است. و آنکه اگر منظور، عصمت می بود، واژه عصمت به کار می رفت، چنان که در دعاهای ماثوره آمده است: "اللهم اعصمنی فی هذا الیوم من شر کل مصیبه نزلت من السماء" و در سوره هود آمده است: "لأعاصم الیوم من امرالله؛ یا واژه "صرف" به کار می رفت، چنانکه در حق حضرت یوسف علیه السلام آمده است: "کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء". "صرف" یعنی بازداشتن و جلوگیری قبل از اصابت و ارتکاب؛

است با ضمیر مذکر آمده است؛ زیرا لفظ "اهل" علاوه بر مذکر بودن، یک کلی است که در برگیرنده افراد مذکر و مؤنث است و همواره با صیغه مذکر به کار می رود، و این مطابق با فصاحت و بلاغت است، به آیه های زیر توجه کنید:

قالوا أعمجین من أمرالله رحمة الله وبرکاته علیکم اهل البیت [هود: ۱۷۳] همانگونه که مشاهده می کنید این آیه خطاب به ساره، همسر حضرت ابراهیم، است که فرشتگان به او مزده فرزندی به نام اسحاق دادند و با آنکه مخاطب، یک فرد مؤنث است ضمیر جمع مذکر "علیکم" به کار رفته است؛ سبک و سیاق این آیه با آیه تطهیر هیچ تفاوتی ندارد. همچنین در آیه ۲۹ سورة قصص، آیه ۱۰ سورة طه و آیه ۷ سورة نمل با وجود آنکه مخاطب همسر حضرت موسی است، ضمیر جمع مذکر به کار رفته است: "فقال لأهله أمکتوا - آتیکم - لعلکم".

خود رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم همسران خود را به ضمیر مذکر "کم" خطاب کرده است؛ در روایتی آمده است که یک بار رسول اقدس صلی الله علیه وآله وسلم از حضرت عایشه رضی الله عنها پرسید: "هل عندکم شیء؟ قالت لا الا ان نسبیة بعثت الینا...؟ آیا نزد شما چیزی برای خوردن وجود دارد؟ او گفت خیر چیزی وجود ندارد جز آنچه نسبیة برای ما فرستاده است.

در اینجا رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم همسر گرامی اش را که یک نفر بود با ضمیر جمع مذکر خطاب کرده است.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم پس از ازدواج با زینب بنت جحش رضی الله عنها به خانه ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها وارد شد و فرمود: "السلام علیکم اهل البیت ورحمة الله وبرکاته". سپس به حجره های همه همسرانش رفت و همین جمله را تکرار نمود.^(۴)

در اینجا همسرانش را با ضمیر جمع مذکر و با واژه "اهل البیت" خطاب کرده است.

نیز خطاب به همسرانش فرمود: "هو علیها صدقة و لکم هدیه فکلوه؛ آنچه مردم به بریره صدقه می دهند در حق او صدقه است و برای شما هدیه به شما می رود؛ لذا می توانید آن را بخورید."^(۵)

در کتاب های اهل تشیع نیز آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هنگام عروسی حضرت زهرا رضی الله عنها خطاب به همسرانش فرمود: "هینوالابتی و لابن عمی؛ مقدمات مراسم عروسی دخترم و پسرعمویم را فراهم کنید."^(۶)

با بودن این همه شواهد از قرآن و سنت، بدون تردید نخستین مخاطب آیه تطهیر همسران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هستند.

پاسخ دوم: ضمیر جمع برای نمایاندن عظمت خانواده نبوی است، چنانکه پیامبر اسلام و حضرت موسی علیهما السلام همسران خود را با ضمیر جمع مذکر خطاب کرده اند. این سبک در کلام عرب رایج بوده و مطابق با فصاحت است. شاعر عرب، خطاب به یگانه همسر خود می گوید: "ان شئت حرمت النساء سواکم".

حکمت دیگر در کلام بلیغ الهی این است که ضمیر مذکر اشاره به این نکته است که هر چند مخاطبان نخستین و سبب نزول آیه همسران

است با برخورداری از موقعیت پیش آمده اندکی وضع زندگی ما نیز بهبود یابد. پیامبر از این بابت دلگیر شدند؛ زیرا ایشان می خواستند اهل بیتش شادکامی ها را برای زندگی آخرت ذخیره کنند و مصداق **أذهبتم طيباتكم في الحياة الدنيا** نباشند. از این جا بود که اختیار داده شدند تا آزادانه از دو راه، یکی را برگزینند، یا زندگی همراه با رفاه دنیا را خارج از خانه پیامبر اسلام، و یا انتخاب خدا و رسول و زندگی جاودانه آخرت و تحمل سختی ها را. پس از آنکه آنان خشنودی خدا و ماندن در جوار رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و زندگی آخرت را برگزیدند، در برابر این حسن انتخاب، پاداش و انعامی برایشان مقرر شد که عبارت است از:

۱. در برابر اعمال نیک دو برابر پاداش می یابند: **تؤتها أجزا مرتين**.
 ۲. ملایران مؤمنان هستند، و بعد از پیامبر کسی حق ازدواج با آنان را ندارد: **ولا أن تتكحوا أزواجه من بعده**.
 ۳. پیوندشان تا قیامت با پیامبر مستحکم خواهد ماند و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نمی تواند آنان را از خود جدا کند: **ولا أن تبدل بهن من أزواج**.

آری! یک مربی آگاه و دلسوز، هرگاه بخواهد خطای شاگردی را گوشزد کند ابتدا او را سرزنش می کند و آن گاه که شاگرد به خطای خود اعتراف کند او را مورد تشویق قرار می دهد و به وی جایزه می دهد. متخصصان تعلیم و تربیت متفق اند که تشویق و تهدید در کنار هم مؤثر است: **درشتی و نرمی به هم در به است**. نیز خداوند که حکیم ترین مربی و دلسوزترین فرد به بندگان است، ابتدا به ازواج پیامبر تفهیم نمود که این خواسته در شأن همسران پیامبر نیست، و آن گاه که آنان خدا و رسول و زندگانی آخرت را برگزیدند، جایزه و پاداش یافتند.

در این جا به این نکته باید توجه کرد که مطالبه نفقه از سوی همسران پیامبر، کاری ناجایز و گناه نبود، اما چگونگی مطالبه، در شأن اهل بیت نبی نبود. از این رو همین خطای کوچک، بسیار بزرگ دانسته شد، چنانکه لغزش کوچک پیامبران بسیار بزرگ تلقی شده و حتی از آن به معصیت تعبیر شده است: **فعمی آدم ربه فغوی**.

افزون بر آن حضرت فاطمه رضی الله عنها نیز با وجود آنکه نفقه اش بر پیامبر لازم نبود، برای گرفتن خدمتگزار به حضور پیامبر رفت، ولی آن حضرت به او جواب منفی داد و در عوض، ۳۳ بار تسبیح (سبحان الله)، ۳۳ بار تحمید (الحمد لله) و ۳۴ بار تکبیر (الله اکبر) را به او آموخت (آنچه که به تسبیحات فاطمی مشهور است) و فرمود: اینها بهتر از آن چیزی است که درخواست کرده ای.^(۱۳)

شبهه سوم: شبهه ای دیگر، این گونه مطرح شده است که پیامبر همسران خود را از اهل بیت خارج کرده است و در پاسخ استفسار آنان گفته است: شما از اهل بیت نیستید؟

پاسخ: ظاهرآ ماجرای کساء چند بار تکرار شده است (هر چند اغلب روایات بر معیار روایت و درایت منطبق نیستند)^(۱۴) و در هیچ یک از روایات معتبر نیامده است که پیامبر هنگام استفسار همسرانش بگوید شما از

و **أذهب** یعنی از بین بردن و پاک کردن بعد از وجود شیء. در تمام قرآن واژه **أذهب** به معنای زدودن و از بین بردن یک شیء موجود به کار رفته است. به شواهد زیر توجه فرمایید:

- ۱) **و قالوا الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن** [فاطر: ۳۴].
- ۲) **و يذهب عنكم رجز الشيطان** [انفال: ۱۱].
- ۳) **و يذهب غيظ قلوبهم** [توبه: ۱۵].
- ۴) **ليذهب عنكم الرجس اهل البيت** [احزاب: ۳۳].

و مراد از اراده نیز اراده تکوینی نیست. اگر مراد اراده تکوینی باشد به این معناست که خداوند شما را در ازل پاک کرده است و هر کس، حتی جاهلان نیز می دانند که چیز پاک نیاز به پاک کردن ندارد که خداوند بفرماید در آینده شما را پاک می گردانیم. اگر هدف تطهیر ازلی و تکوینی می بود، با صیغه ماضی می فرمود: **ان الله اذهب عنكم الرجس و طهرکم تطهیرا**، و معنی اراده تکوینی نیز همین است. اگر اراده خدا نسبت به پاکی و رفع رجس از آنان واقع شده بود چگونه رسول الله صلی الله علیه و سلم بار دیگر دعا می کرد و پاکی آنان را از خدا درخواست می کرد؟ در این صورت شایسته بود که پیامبر به جای این دعا سپاس خدا را بجا آورد و بگوید: **الحمد لله الذي طهرکم** (سپاس برای خدایی که شما را پاک گردانید).

علامه دهلوی نوشته است: **اگر این کلمه مفید عصمت می بود، بایستی همه صحابه، بخصوص شرکت کنندگان در جنگ بدر، معصوم می بودند؛ زیرا خداوند در حق آنان نیز فرموده است: و لکن یرید لیطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون**.^(۱۵)

شبهه دوم: سیاق آیات در مورد همسران، با عتاب و تهدید همراه است، ولی سیاق آیه تطهیر همراه با تمجید و مدح است.

پاسخ: اول اینکه آنچه را شبهه پردازان، آیه تطهیر می نامند، یک آیه مستقل نیست، بلکه یک جمله از آیه طولانی ۳۳ سوره احزاب است. گلچین کردن یک جمله از تمام آیه و بریدن آن از ماقبل و مابعد از دیدگاه خرد محکوم است، و این کار به بافت آیه ضربه اساسی وارد می کند؛ زیرا جمله **انما یرید الله...** در مقام تعلیل آمده است؛ یعنی در این جمله فلسفه رعایت مقررات و دستورالعمل پیش گفته، توضیح داده شده است. از این رو این تقسیم بندی و قائل شدن به انقطاع از ماقبل و مابعد در مورد آیات، در کل درست نیست.

دوم اینکه لحن آیه تهدیدآمیز نیست، بلکه به مقام شامخ ازواج مطهرات دلالت دارد. اگر حاکی از عتاب هم باشد می توان با نگاهی به سبب نزول آیات، به راز این تعبیر پی برد. مفسران در سبب نزول آیه گفته اند: همسران پیامبر زندگی بسیار ساده و فقیرانه ای داشتند تا جایی که در روایات آمده یک ماه می گذشت و آتشی برای پخت و پز در خانه پیامبر روشن نمی شد و اهل خانه شب های متوالی گرسنه می خوابیدند. بعد از غزوه احزاب دروازه فتوحات گشوده شد و فتوحات بنو نضیر و بنو قریظه روی داد و اموال غنیمت بین مسلمانان تقسیم شد. همسران پیامبر عرض کردند که ما زندگی را به سختی می گذرانیم، لذا شایسته

اهل بیت نیستید؛ بلکه اهل بیت بودن آنان را تایید کرده است؛ به دلیل اینکه پاسخ پیامبر به شرح زیر بوده است: **أنت الی خیر^(۱۵) آن لک عندالله خیراً^(۱۶) آنک علی خیر^(۱۷) أنت الی خیر و أنت من أزواج النبی^(۱۸)؛ آبشری یا أم سلمه! فانک الی خیر^(۱۹)؛ یعنی شما مقام نیکویی دارید و بنابر نص صریح قرآن از اهل بیت هستید و نیازی به دخول در زیر کساء ندارید.**

گذشته از این، در دسته‌ای دیگر از روایات تصریح شده است که پیامبر اکرم در پاسخ سوال آنان فرمودند: **آری شما از اهل بیت هستید.** چنانکه در پاسخ ام سلمه گفت: **بلی ان شاء الله! آری تو از اهل بیت هستی ان شاء الله^(۲۰).** کلمه ان شاء الله برای تبرک است. **أنت و ابنتک من اهل البیت^(۲۱).** در برخی روایات تصریح شده است که ام سلمه را زیر پارچه قرار داد و فرمود: **تو از اهل بیت هستی!** قال: **بلی، فادخلی فی الکساء^(۲۲).**

در یک روایت آمده است که پیامبر بقیه دختران و خویشان و همسرانش را نیز زیر کساء داخل کرد.^(۲۳)

از سوی دیگر داخل نکردن در کساء به معنای اخراج از اهل بیت نیست و اگر به فرض به این معنا هم باشد، از اهل بیت نسبی خارج می‌شوند نه از مفهوم اهل بیت. لذا از این روایات به هیچ وجه نمی‌توان برای اخراج از اهل بیت استدلال نمود، وانگهی قراین و شواهد فراوان از جمله واژه‌های **خاصتی** و **هولاء احق^(۲۴)**، دلیل صریح است که این دعای پیامبر پس از نزول آیه در حق همسران ایشان بوده است و گرنه دلیلی نداشت که پیامبر اکرم با این همه اصرار و الحاح از خداوند چنین درخواستی بکند و خاطر نشان سازد که اینها سزاوارترند.

سبب اینکه پیامبر اهل بیت نسبی خود را در زیر کساء قرار داد، این بود که پس از نزول آیه در حق همسران ایشان، این توهم وجود داشت که شاید آیه، اهل بیت نسبی را دربر نمی‌گیرد؛ لذا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای رفع این توهم اهل بیت نسبی را گاه زیر یک پوشش قرار می‌داد و گاه با واژه اهل بیت خطاب می‌کرد تا بدین وسیله تبیین نماید که آیه شامل هر دو گروه است.^(۲۵)

اهل بیت در آینه حدیث کساء

حضرت عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که یک روز صبح رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم تشریف آورد و ردایی سیاه رنگ و خط دار پوشیده بود، ناگاه حسن بن علی آمد، او را زیر ردا قرار داد، سپس به ترتیب، حسین، فاطمه و علی **ارضی الله عنهم!** آمدند آنها را نیز زیر ردا قرار داد و این آیه را قرائت کرد: **انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت^(۲۶).**

در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم این چهار تن را زیر پارچه‌ای قرار داد و فرمود: **اینها اهل بیت من هستند، پس آنان را پاک گردان^(۲۷).**

طبق تصریح این روایت، حضرت علی، فاطمه و حسین رضی الله عنهم از اهل بیت نبوی هستند.

نتیجه سخنان پیشین

همان گونه که ملاحظه کردید، درباره مفهوم اهل بیت دو نص وجود دارد: نص قرآن و نص حدیث. با کنار هم گذاشتن این دو نص، ثابت می‌شود که همسران پیامبر، بنابر نص صریح قرآن اهل بیت ایشان هستند، و حضرات علی، فاطمه، حسن و حسین، بنابر نص صریح سنت و فرموده نبوی اهل بیت ایشان اند. اهل بیت بودن همسران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم، هیچ منافاتی با حدیث کساء ندارد؛ زیرا در این حدیث آمده است: **خدایا اینها اهل بیت من هستند.** و این بدان معنا نیست که اهل بیت ایشان فقط همین چهار نفرند و بس. اگر چنین باشد پس اولاد و احفاد حضرت حسن و حسین و شهدای کربلا رضی الله عنهم نیز از اهل بیت نخواهند بود.

در ادبیات عرب ترکیب‌هایی مانند: **هولاء اهل بیتی** برانحصار دلالت ندارد؛ چنانکه با اشاره به چند نفر گفته شود: **هولاء اهل بلدی** اینها همشهریان من هستند؛ مسلم است که منظور گوینده آن نیست که همشهریان او فقط همین چند نفر هستند. همچنان که حضرت ابراهیم علیه السلام با اشاره به میهمانان خود گفت: **ان هولاء ضیفی** [حجر: ۶۶] حداکثر آنچه از حدیث ثابت می‌شود این است که این چهار نفر از نخبگان و خاصان اهل بیت نبوی هستند؛ چنانکه طبق یک روایت، پیامبر فرمود: **اللهم هولاء اهل بیتی و خاصی^(۲۸).**

در مورد اینکه اهل کساء جزء اهل بیت پیامبر هستند اختلاف نظری وجود ندارد؛ لذا به بحث در این موضوع نیازی نیست؛ اما اختصاص اصطلاح اهل بیت به همین چهار نفر، مورد بحث است.

شواهد متعددی وجود دارد که خود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لفظ **اهل** و **آل** را هم برای همسران خود و هم برای خویشان نزدیک خود به کار برده و گویا بدین وسیله اهل بیت خودش را معرفی کرده است. و مسلم است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به قرآن و مفاهیم آن و به لغت عرب از دیگران آگاه تر بوده است.

اهل بیت در آینه گفتار و سیره عملی

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم

بیهقی از ابوسعید ساعدی روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به عباس رضی الله عنه فرمود: ای ابوالفضل! فردا صبح تا من نیامده‌ام تو و فرزندان از خانه بیرون نروید؛ زیرا با شما کار دارم. عباس رضی الله عنه و فرزندان منتظر ماندند تا رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم تشریف برد و پس از سلام و احوالپرسی گفت: نزدیک بیایید. وقتی آنان با هم نزدیک شدند، رسول خدا بر آنان قطفه‌ای (پارچه‌ای) کشید و فرمود: **یارب هذا عمی و صنوایی و هولاء اهل بیتی** ...؛ پروردگارا این عمویم و همزاد (بمنزله) پدرم است و اینها اهل بیت من هستند، آنها را در برابر آتش دوزخ پوشان همانگونه که من آنها را زیر این پارچه پوشانده‌ام.^(۲۹)

أقوام يتحدثون فإذا رأوا الرجل من أهل بيتي قطعوا حديثهم...^(۳۱) چرا گروهی از مردم به هنگامی که مشغول بحث و گفت و گو هستند با دیدن مردی از اهل بیت من سخن خود را قطع می کنند؛ به خدا سوگند که ایمان در قلب کسی وارد نخواهد شد تا آنان را به خاطر خویشاوندی من دوست ندارد.

به ام هانی دختر ابوطالب (خواهر حضرت علی) گفتند: برای نجات خود در روز قیامت بکوش و خودت عمل کن؛ زیرا قرابت با پیامبر چیزی از تو دفع نخواهد کرد. ام هانی ماجرا را به پیامبر گفت، آن حضرت فرمود: **«ما بال أقوام يزعمون أن شفاعتي لاتنال أهل بيتي وأن شفاعتي تنال حاء و حکم؟»** چرا عده ای گمان می کنند که شفاعت من به اهل بیت نمی رسد، حال آنکه قبیله های حاء و حکم نیز از شفاعت من بهره مند خواهند شد.^(۳۲) در این حدیث رسول اکرم ام هانی را از اهل بیت خود شمرده است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: **«إن ألهي اختارني في ثلاثة من أهل بيتي علي و حمزة و جعفر؛ خداوند مرا با سه نفر از اهل بیتم برگزیده است: علی، حمزه و جعفر.»**^(۳۳)

از این روایات ثابت می شود که اهل بیت نبوی چند نفر انگشت شمار نبودند؛ بلکه پیامبر، همسران و خویشاوندان نزدیکش مانند حضرت حمزه، عباس، جعفر و دیگران را از مصادیق اهل بیت دانسته است و این پندار که اصطلاح اهل بیت فقط به اهل کساء اختصاص دارد بی اساس است.

کاربرد واژه آل بیت در عرف صحابه

واژه آل و اهل در عرف صحابه و یاران پیامبر نیز برای همسران رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم به کار می رفت و بسیار معروف بود. در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

عن أبي أمامه قال: **«ما كان يفضل عن أهل بيت النبي خبز الشعير؛»** ابی امامه می گوید: از سفره اهل بیت پیامبر یک تکه نان جو هم اضافه نمی ماند.^(۳۴) از این عباس رضی الله عنه نقل شده است: **«كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يبيت الليالي المتتابعة طواياً و أهله لا يجدون عشاء؛»** رسول الله صلی الله علیه و سلم شبهای متوالی گرسنه می ماند و اهل او شام شب نداشتند.^(۳۵)

از أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها نقل شده است: **«إن كنا آل محمد لنمكث شهراً ما نستوقد بنار؛»** یک ماه بر ما آل محمد می گذشت و آتشی [برای پخت و پز] روشن نمی کردیم.^(۳۶)

عن أبي هريره قال: **«ما شيع رسول الله و أهله ثلاثاً تباعاً من خبز البر.»**^(۳۷) در روایتی دیگر آمده است: **«ما شيع آل محمد من خبز بر؛»** آل محمد هرگز در طول زندگی از نان گندم سیر نخوردند.^(۳۸)

قال حذيفة: **«بئ آل رسول الله ليلة...»** حذیفه می گوید: یک شب در خانه آل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مانندم...^(۳۹)

حذیفه رضی الله عنه در این حدیث داستان ماندن خود در خانه حضرت عایشه رضی الله عنها و استفاده از محضر رسول الله

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم پرسیدند: آل تو چه کسانی هستند؟ فرمود: آل علی و آل جعفر و آل عقیل و آل عباس.^(۴۰) این روایت در منابع شیعی از جمله بحار الانوار با این الفاظ آمده است: **«قلنا من أهل بيته [و فی نسخة أهل بيتك] قال: آل علی و آل جعفر و آل عقیل و آل عباس.»**^(۴۱)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم هنگام ورود به خانه فاطمه رضی الله عنها می فرمود: **«السلام عليكم أهل البيت و رحمة الله و بركاته.»** و هنگام ورود به خانه های همسران خویش نیز همین جمله را می گفت.^(۴۲)

حضرت علی رضی الله عنه روایت کرده است که حضرت رسول پس از آنکه از پاک دامنی ماریه قبطیه رضی الله عنها مطمئن شد فرمود: **«الحمد لله الذي يصرف عنا أهل البيت؛ سپاس خدایی را که زشتی ها را از ما اهل بیت دور می دارد.»**^(۴۳)

به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم گردنبندی هدیه دادند، فرمود: **«والله لأضعنها في رقبة أحب أهل البيت الي؛»** به خدا سوگند این گردنبند را به گردن محبوبترین فرد اهل بیتم خواهم آویخت.^(۴۴) سپس آن را به گردن نوه اش امامه، دختر حضرت زینب و ابوالعاص، انداخت.^(۴۵)

همچنین در حق همسران و اهل بیت خود اینگونه دعا فرمودند: **«اللهم اجعل رزق آل محمد قوتاً؛»** خدایا روزی آل محمد را به حد کفاف قرار بده.^(۴۶)

حضرت انس رضی الله عنه می گوید: بارها از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که می گفت: **«والذي نفس محمد بيده ما أصبح عند آل محمد صاع حب و لا صاع تمر.»** و آن له یومئذ تسع نسوة من الأزواج سوگند به خدایی که جان محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] در دست اوست، امروز نزد آل محمد یک صاع حبوبات یا خرماي خشک وجود ندارد. در حالی که آن وقت نه همسر داشت.^(۴۷)

از عبدالله [ابن مسعود] نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: **«ما أصبح في آل محمد مد من طعام؛»** امروز نزد آل محمد خوردنی ای به مقدار یک مد [بیمانه ای حدود ۷۵۰ گرم] وجود ندارد.^(۴۸)

رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم در حق قومی از عرب که مرتد شدند و شتران آن حضرت را که خانواده ایشان از شیر آنها استفاده می کردند، به غارت بردند، دعای بد کرد و فرمود: **«اللهم عطش من عطش آل محمد الليلة؛»** خدایا کسانی را که امشب آل محمد را تشنه نگه داشتند (و از نوشیدن شیر محروم کردند) تشنه کام کن.^(۴۹)

از رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم پرسیدند: چگونه بر شما اهل بیت درود بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: **«اللهم صل علی محمد و علی أزواجه و ذریته.»**^(۵۰)

در این روایت آل محمد به أزواج و ذریه تفسیر شده است. آن گاه که حضرت عباس رضی الله عنه درباره بر خورد دو گانه قریش با وی نزد آن حضرت شکوه کرد، آن حضرت فرمود: **«ما بال**

صلی الله علیه وآله وسلم را تعریف می کند.
بنابراین ثابت شد که کاربرد واژه های "اهل بیت"، "آل محمد" و "آل بیت" برای همسران پیامبر، در میان صحابه شناخته شده بود.

اهل بیت از زبان اهل بیت

با تأملی در گفتار خود اهل بیت، مصادیق اهل بیت بیشتر روشن می شود و به مصداق مقوله "اهل البیت ادری بما فی البیت"، آنان از هر شخص دیگری نسبت به این موضوع آگاه تر بودند.

حضرت علی رضی الله عنه فرموده اند: "و کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم اذا احمر البأس و احجم الناس، قدم اهل بینه فوقی بهم اصحابه حر السیوف و الاسنة. فقتل عبیده بن الحارث یوم بدر، و قتل حمزة یوم احد، و قتل جعفر یوم مؤتة؛ هر وقت کارزار شدت می گرفت و مردم عقب نشینی می کردند، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم اهل بیت خود را پیش می انداخت و بدانان اصحاب خود را از سوزش نیزه ها و شمشیرها حفاظت می کرد. چنانکه عبیده بن حارث در جنگ بدر، حمزه در جنگ احد و جعفر در جنگ مؤتة به شهادت رسیدند."^(۵۱)

حضرت علی رضی الله عنه در این گفته به اهل بیت بودن عبیده و حمزه و جعفر رضی الله عنهم تصریح کرده است.
عبدالمطلب بن ربیع بن حارث بن عبدالمطلب می گوید: من و فضل فرزند عباس نزد رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم رفتیم و از او خواستیم تا ما را به شغل جمع آوری صدقات بگمارد تا از این طریق بتوانیم با دستمزدی که دریافت می کنیم ازدواج کنیم. آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "صدقه (زکات) برای آل محمد مناسب نیست؛ زیرا چرک [اموال] مردم است". سپس دستور داد تا از طریق تسهیلات خمس به پرداخت مخارج ازدواج آنان اقدام شود.^(۵۲)
این حدیث دلالت دارد که پسرعموهای پیامبر، آل او هستند، که صدقه بر آنان حرام است.

خلال با اسناد خودش از ابی ملیکه روایت کرده است که خالد بن سعید بن عاص سفره ای از غذاهای زکاتی برای عایشه رضی الله عنها فرستاد، ایشان آن غذاها را بازگرداند و گفت: "أنا آل محمد لا تحل لنا الصدقة؛ برای ما آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم صدقه (زکات) حلال نیست."^(۵۳)

حضرت علی بن موسی الرضا رضی الله عنه فرمود: نگاه محبت آمیز به سوی ذریه ما عبادت است. پرسیدند: ای فرزند رسول خدا! آیا نظر به سوی امامان از شما عبادت است یا نظر به سوی همه ذریه پیامبر؟ فرمود: "بل النظر الی جمیع ذریه النبی عبادة؛ نظر به سوی همه ذریه پیامبر عبادت است."^(۵۴)

این فرموده حضرت علی بن موسی الرضا بیانگر آن است که جمیع ذریه پیامبر اهل بیت او هستند و به همین دلیل نظر محبت آمیز به سوی آنها عبادت است.

نجده طی نامه ای از ابن عباس رضی الله عنهما استفسار نمود که

سهم ذوی القربی از آن چه کسانی است؟ ابن عباس در پاسخ گفت: "هو لنا اهل البیت؛ این سهم مال ما اهل بیت است."^(۵۵)
این گفته ابن عباس مؤید این نظر است که فرزندان حضرت عباس عموی آن حضرت نیز خود را مصداق اهل بیت می دانستند.

اقسام اهل بیت

بعضی از علما گفته اند که بیت سه نوع است: بیت نسب، بیت سکنی و بیت ولادت. بدین ترتیب مؤمنان بنی هاشم اهل بیت نسبی رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم هستند؛ همسران آن حضرت اهل بیت سکنی هستند؛ و فرزندان و ذریه ایشان اهل بیت ولادت و نسل ایشان هستند. بنابراین، اهل بیت نبوی سه گروه اند: ۱. خویشان نزدیک، ۲. همسران، ۳. ذریه و فرزندان. که بارزترین مصداق آن اهل کساء هستند و آنان گل سرسبد عترت نبوی می باشند.

در کتاب "الصواعق" آمده است که لفظ بیت در آیه شامل بیت نسب و بیت سکنای پیامبر است. نظر زمخشری و بیضاوی نیز همین است.^(۵۶)
در منابع روایی فریقین روایاتی وجود دارد دال بر اینکه این هر سه گروه از اهل بیت نبوی هستند، در این جا به یکی دو روایت اشاره می شود:

شیخ مفید آورده است: رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "فضل عشیرتی و اهل بیتی و ذریتی کفضل الماء علی کل شیء؛ برتری خویشاوندان و اهل بیت و ذریه من، مانند برتری آب بر هر چیز دیگر است."^(۵۷)

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "محبة اهل بیتی و عشیرتی و ذریتی یتکمل الدین؛ محبت اهل بیت و عشیره و ذریه من دین را کامل می کند."^(۵۸)

نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: "اللهم صل علی محمد النبی و ازواجه امهات المؤمنین و ذریته و اهل بینه کما صلیت علی ابراهیم".^(۵۹) آلبانی گفته است: احمد و طحاوی این حدیث را با سند صحیح آورده اند.^(۶۰)

در این روایات سه واژه "اهل"، "عشیره" و "ذریه" به کار رفته است و با حرف واو که در زبان عرب نشانه مغایرت و تفاوت است، بین آنها فاصله گذاشته شده است؛ یعنی این سه واژه با هم تفاوت دارند. و از آنجا که میان واژه "اهل بیت" و "ذریه و ازواج" و "عشیره" نسبت عموم و خصوص وجود دارد و در این روایات عطف عام بر خاص و بالعکس صورت گرفته است، طبق قاعده عطف نتیجه می گیریم که منظور از اهل بیت در حدیث اول و دوم ازواج و در حدیث سوم عشیره است به تعبیر دیگر واژه اهل بیت، یک کلی است که زیر مجموعه آن همسران، عشیره و ذریه آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم هستند.

ابن قیم گفته است: درباره عطف دوروش وجود دارد:

- ۱- آوردن خاص قبل یا بعد از عام، قرینه ای است دال بر اینکه مراد از عام انواع دیگری است که در متن نیامده است.
- ۲- خاص دوبار تکرار شود، یک بار به سبب خاص بودنش و بار

احضرات فاطمه، علی، حسن و حسین، انیز صحیح نیست، زیرا مخالف با عرف و لغت عرب است و روی سخن در آیه با همسران رسول الله صلی الله علیه و سلم است. حق این است که آیه، جمیع اهل بیت را در بر می گیرد، گرچه سیاق کلام در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.^(۶۶)

علامه قمی مفسر برجسته شیعی در تفسیر آیه تطهیر گفته است: آنما برید الله...، خداوند می خواهد رجس یعنی گناهی را که آبروی شمارا لکه دار کند از شما دور کند. این جمله مستأنفه در بیان علت و سبب امر و نهی زنان پیامبر است (الذنب المدنس لعرضکم و هو تعلیل لآمرهن و نهین للاستئاف).^(۶۷)

علامه شاه عبدالعزیز دهلوی نوشته است: "محققین اهل سنت بر آنند که هر چند این آیه در مخاطبه ازواج واقع است، اما به حکم العبرة لعوم اللفظ لا لخصوص السبب"، جمیع اهل بیت در این بشارت داخلند و جناب پیغمبر که این دعا در حق چهار نفر موصوف فرمود، نظر به خصوص سبب بوده است.^(۶۸)

وجوب محبت اهل بیت

از دیدگاه اهل سنت، محبت و احترام اهل بیت نبوی واجب است؛ حتی بعضی آن را جزء اصول دین می شمارند. علمای ما تصریح کرده اند که شایسته است ساکنان شهر پیامبر نیز به خاطر همجواری رسول الله صلی الله علیه و سلم مورد اکرام و احترام قرار گیرند چه رسد به ساکنان بیت نبوی و ذریه اش که از خون و گوشت او بودند.

علامه ابوبکر محمد بن حسن الاجری گفته است: "دوستی با اهل بیت بر هر فرد مؤمن واجب است؛ دوست داشتن بنی هاشم یعنی علی بن ابی طالب و اولادش، فاطمه، فرزندان، حسنین و فرزندان شان، جعفر طیار، حمزه، عباس و اولادشان رضی الله عنهم لازم است."^(۶۹)

علامه صدیق حسن خان بخاری می گوید: "اهل سنت به فضایل آل نبی معترف اند و در حق صحابه نیز کوتاهی نمی کنند و دامن عدل و انصاف را رها نمی کنند و میانه روترین گروه هستند."^(۷۰)

محمد بن صالح می گوید: "از اصول شناخته شده اهل سنت است که آل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را بنابر ایمان و خویشاوندی شان با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوست بداریم."^(۷۱)

امام شافعی گفته است: "آذا فی مجلس نذکر علیاً و سبطیه و فاطمة الزکیة/ یقال تجاوزوا یا قوم هذا/ فهذا من حدیث الرافضیه/ برت الی المهیمن من أناس/ یرون الرفض حب الفاطمیه؟ هرگاه در مجلسی از علی، حسنین و فاطمه پاک نژاد سخن بگویم، می گویند اینها گفته رافضیان است. من از کسانی که دوستی فاطمیه را نشانه رافضی بودن می دانند به پیشگاه خدا اعلام براثت می کنم.

ابوالفضل واعظ چه خوش سروده است: "حب آل النبی خالط عظمی / و جری فی مفاصلی فاعذرونی / أنا والله مغرم بهوهم / عللونی بذکرهم / عللونی؛ دوستی آل نبی با مغز استخوانم عجین شده و در مفاصلم جریان

دیگر به سبب آنکه تحت اسم عام داخل است، چنانکه خداوند فرموده است: "و اذ أخذنا من النبین میثاقهم و منک و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ابن مریم" [احزاب: ۷].
 "و من کان عدواً لله و ملائکته و رسله و جبریل و میکال فان الله عدوٌ للکافرین" [بقره: ۹۸].^(۶۱)

میانه ترین گزینۀ

به حکم "یاک و الغلو فی الدین"^(۶۲)؛ و به مقتضای "الحسن بین السیتین"، باید میانه ترین نظریه را برگزینیم و از افراط و تفریط پرهیز کنیم. به گفته شاعر: علیک بأوساط الامور فانها نجاه/ ولا ترکب ذلولا و لا صعباً.

در باره اهل بیت سه جهت گیری وجود دارد:

- ۱- تفریط و بی عنایتی در حق آنان (= ستم پیشگان)؛
- ۲- افراط و زیاده روی (= غلات)؛
- ۳- میانه روی و انصاف (= عدالت پیشگان).

با توجه به مباحث پیشین، میانه ترین گفتار و نتیجه کلی نصوص قرآن و حدیث این است که همسران و فرزندان و خویشاوندان مؤمن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از نسل عبدالمطلب بن هاشم اهل بیت ایشان هستند.

این دیدگاه با قرآن، سنت، فهم صحابه و تعامل اهل بیت همخوانی دارد و از افراط و تفریط به دور است.

ابن جزئی می گوید: اهل بیت پیامبر عبارتند از: ازواج، ذریه و خویشاوندانش مانند عباس و علی و همه کسانی که صدقه بر آنها حرام است.^(۶۳)

بنابراین کسانی که همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را از اهل بیت ایشان نمی دانند، مفاد آیات قرآن را مورد توجه قرار نداده اند. و آنان که منکر فضیلت عترت نبوی هستند یا ذریه فاطمی را از اهل بیت نمی دانند، به فرموده های رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ارج نهاده اند.

اقوال مفسران

امام رازی در خصوص آیه تطهیر گفته است: "برترین نظریه این است که اهل بیت، ازواج و اولاد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستند، و حسنین و حضرت علی نیز بنابر معاشرت با فاطمه از اهل بیت نبوی هستند." "خطاب مذکر نیز برای آن است که مردان و زنان اهل بیت را در بر گیرد."^(۶۴)

علامه قرطبی می گوید: "آنچه از آیه مستفاد می شود این است که آیه عام است و جمیع اهل بیت اعم از ازواج و دیگران را در بر می گیرد."^(۶۵)

علامه آلوسی در تفسیر "روح المعانی" نوشته است: "ازواج و اولاد رسول - اهل کساء - در اهل بیت داخل هستند."^(۶۶)

علامه قاضی ثناء الله عثمانی پانی پتی نوشته است: "تخصیص مفاد آیه به زنان پیامبر درست نیست، همچنان که اختصاص آن به ۴ نفر

دارد، لذا مرا معذور دارید. به خدا سوگند که من به عشق و محبت آنان مبتلا شده‌ام و بدون از یاد آنان آرام نمی‌گیرم، پس مرا با یاد آنان تسلی دهید.^(۳۷)

امام رازی در تفسیر کبیر می‌گوید: "اهل سنت بحمدالله بر کشتی محبت آل محمد سوار هستند و به ستارگان اصحاب نبی، چشم دوخته‌اند، و از خداوند امید دارند که در دنیا و آخرت به سلامت و سعادت نایل آیند."^(۳۸)

سیره الگویی اهل بیت

اهل سنت بر این باورند که بزرگان اهل بیت (اعم از آنان که به ائمه یازده گانه معروف‌اند و دیگران) به معتقدات خالص اسلام که از ناحیه جد بزرگوارشان رسیده است پایبند بودند و به سبب انتساب با پیامبر، فخر فروشی نمی‌کردند؛ بلکه بیش از دیگران، متواضع و فروتن بودند و خود را فردی از افراد امت می‌دانستند که بر اساس علم و عمل، تقوا و اخلاق نیکو سزاوار احترام و امتیاز بودند.

در اینجا شمه‌ای از احوال و سیره عطرآگین اهل بیت نبوی را با اقتباس از کتاب "المرتضی" اثر گرانشنگ علامه سید ابوالحسن حسینی ندوی رحمه الله می‌آوریم:

حضرت علی رضی الله عنه مجموعاً چهارده پسر و هفده دختر داشت که نسل او از میان پسران، فقط از پنج فرزند ادامه یافت که عبارتند از: حسن، حسین، محمدبن حنیفه، عباس و عمر.^(۳۹)

چهار تن از فرزندان حضرت علی از بطن ام البنین و دو تن از بطن لیلی بنت مسعود، در میدان کربلا، همراه برادرشان حضرت حسین به شهادت رسیدند.^(۴۰)

سعید بن مسیب رحمه الله می‌گوید: کسی را پرهیز کارتر از علی بن حسین [زین العابدین] ندیدم.^(۴۱)

نسل حضرت حسین رضی الله عنه فقط از زین العابدین رضی الله عنه تداوم یافت، فرزندش محمدباقر و فرزند او جعفر صادق و فرزند او موسی بن جعفر کاظم و فرزندش علی الرضا، همگی در بردباری، پاک دامنی و کرامت نفس، اسوه و نمونه بودند.

امام جعفر صادق به عبادت خدا و یاد او مشغول بود و گوشه نشینی و بی‌رغبتی به دنیا و دوری از منصب‌های دنیوی را بر ریاست و حکومت ترجیح می‌داد.^(۴۲)

امام موسی بن کاظم رضی الله عنه مردی سخی و بردبار بود. هرگاه اطلاع می‌یافت که کسی در حق او بدی می‌کند برایش مبلغی پول می‌فرستاد.^(۴۳)

خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به نسبی که آنها را با آن حضرت پیوند می‌داد بسیار غیور و محتاط بودند و از این نسبت در منافع دنیوی استفاده نمی‌کردند.

حضرت حسن بن علی رضی الله عنه هنگامی که به بازار می‌رفت از فروشنده‌ای خرید می‌کرد که او را نشناسد و می‌گفت: "دوست ندارم در برابر کالایی بی ارزش از موقعیت خود و خویشاوندی با

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سوء استفاده کنم".
از حضرت علی بن موسی الرضا کاظم رضی الله عنهما نیز روایتی به همین مضمون نقل شده است.^(۴۴)

بیزاری از افراط در محبت

اهل بیت دوست نداشتند در محبت آنها غلو و افراط شود. از امام زین العابدین رضی الله عنه نقل شده است که فرمودند: "ای مردم عراق! با ما به خاطر اسلام، محبت ورزید و ما را از رتبه واقعی ما بالاتر نبرید."^(۴۵) همه بزرگان اهل بیت، از غلو و افراط در محبت خویش منع کرده‌اند، تا جایی که امیرالمؤمنین حضرت علی رضی الله عنه عده‌ای از غالیان را که در حق او غلو می‌کردند در آتش سوزاند.^(۴۶) از ایشان نقل شده است: "دو گروه در مورد من به هلاکت می‌رسند، دوستان افراط کننده و دشمنان تجاوزگر."^(۴۷)

ابوحزوه ثمالی از ابوجعفر (امام باقر رضی الله عنه) نقل می‌کند که فرمود: ای اباحزوه! علی را از مقامی که خدا به او داده پایین نیاورید و از آن نیز بالا نبرید.^(۴۸)

حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه فرمودند: گروهی بر من دروغ بر بستند، خداوند آنان را از طعم گرمی آهن [سوزش شمشیر] بچشانند. سوگند به خدا که ما جز بندگان کسی که ما را آفریده و برگزیده است نیستیم. توان هیچ نفع و ضرری نداریم. اگر خداوند بر ما رحم کند بنا بر لطف و مرحمت اوست، و اگر ما را شکنجه کند بر اثر گناهان ماست. به خدا سوگند که ما هیچ حاجتی بر خدا نداریم و هیچ برائت و معافیتی نداریم [....] وای بر آنان چرا به دروغ چیزهایی را به ما نسبت می‌دهند خداوند نفرین شان کند. همانا آنان خدا را و رسولش را در قبر و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسنین و علی بن حسین و محمد بن علی علیهم السلام را آزرده‌اند. و اینک من که از گوشت و پوست رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم هستم، بر اثر سخنان دروغی که به من نسبت داده‌اند از بیم خدا در بستر، خواب و آرام ندارم. به خدا پناه می‌برم و اعلام برائت می‌کنم از سخنانی که فلانی و فلانی به من نسبت داده‌اند...."^(۴۹)

در جایی دیگر فرموده‌اند: "قومی گمان می‌کنند که من امام آنها هستم، به خدا سوگند که من امام آنان نیستم، خدا نفرین شان کند. آنان گفته مرا بر خلاف مقصودم تفسیر می‌کنند و می‌گویند: منظورش این بوده است. بدانید که من امام کسی هستم که از من پیروی کند."^(۵۰)

علامه آلوسی رحمه الله گفته است: "مردم درباره اهل بیت و اصحاب پیامبر در دو طرف افراط و تفریط قرار دارند، صراط مستقیم ما بین این دو راه است. خداوند ما را بر صراط مستقیم ثابت و استوار نگهدارد."^(۵۱)

اعتراف به فضایل خلفای سه گانه

اهل بیت همواره فضیلت و خدمات سه خلیفه راشد را یادآور می‌شدند. یحیی بن سعید می‌گوید: "عده‌ای از مردم عراق نزد امام زین العابدین آمدند و نسبت به ابوبکر و عمر و عثمان رضی الله عنهم کلمات ناشایستی

عقیده اجمالی اهل سنت درباره اهل بیت

اهل سنت به تمام اهل بیت اعم از همسران، فرزندان و خویشاوندان مسلمان پیامبر محبت و ارادت دارند و هر یک را در جایگاهی قرار می دهند که شایسته آنان است. منصفانه و بدون دخالت دادن احساسات در مورد آنان قضاوت می کنند و در حق هیچ یک از اهل بیت و خویشاوندان مسلمان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کوتاهی نمی کنند. با آن دسته از اهل بیت که به شرف مصاحبت رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نایل آمده، بر اساس ایمان و تقوا و بر اساس صحابی بودن و خویشاوندی با رسول الله محبت دارند. و با آنان که به شرف مصاحبت پیامبر نایل نشدند، بر اساس ایمان و تقوا و خویشاوندی با پیامبر محبت می ورزند. و عقیده دارند که شرافت نسبی، تابع ایمان است، کسی که به هر دو فضیلت دست یافته است از دو جنبه مورد احترام است و کسی که به ایمان توفیق نیافته است، نسیبش او را به جایی نمی رساند: "من بقاء به عمله لم یسرع به نسبه"؛ کسی که در میدان عمل عقب مانده باشد نسیبش او را پیش نمی برد.^(۸۶)

ویژگی عقیده اهل سنت، اعتدال و میانه روی است؛ زیرا عده ای اهل بیت را فقط به چهار نفر، و عده ای - مانند اسماعیلیه - به هفت نفر، و گروهی دیگر به افرادی بیشتر و کمتر و عده ای فقط به نسل حسینی منحصر می دانند و اولاد حضرت حسن رضی الله عنه را از اهل بیت نمی شمارند. اما اهل سنت، با دیدی وسیع و فراگیر، به همه اهل بیت و ذریه پیامبر ارادت دارند و توصیه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم را در حق آنان با جان و دل پذیرفته اند. آنان محبت قلبی خود را به امهات المؤمنین و همسران پاکیزه آن حضرت، به فاطمه زهرا بانوی زنان بهشت، شیر خدا علی مرتضی، سروران جوانان بهشت حسن مجتبی و حسین باصفا، و فرزندان ایشان که در میدان کربلا شجاعانه از سنت جدشان پاسداری کردند، نثار می کنند.

امام عبدالقاهر بغدادی، ضمن شرح عقیده اهل سنت درباره اهل بیت نبوی می نویسد: "اهل سنت به موالات حسن و حسین و اسباط (نوادگان) معروف رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم امثال حسن بن حسن، عبدالله بن حسن و علی بن حسین - زین العابدین - محمد بن علی بن حسین معروف به باقر، جعفر صادق، موسی بن جعفر، علی بن موسی الرضا رضی الله عنهم قایل هستند. همچنین با سایر فرزندان حضرت علی از جمله عباس، عمر و محمد بن حنیفه و همه کسانی که از شیوه پدران ظاهر خود پیروی کرده اند و از راه آنان منحرف نشده اند محبت می ورزند."^(۸۷)

جان کلام آنکه محبت اهل بیت پیامبر جزء ایمان اهل سنت است؛ از این جاست که کتابهای شان از فضایل و مناقب اهل بیت سرشار است و نویسندگان اهل سنت گنجینه روایی مربوط به فضایل اهل بیت را در پاسخ ورد خوارج و نواصب گردآوری نموده اند. به گفته یکی از پژوهشگران شیعه: "جالب توجه آن است که در این نقل فضایل و در میان گردآورندگان آثار سده های پیشین، تلاش عالمان اهل سنت و جماعت اگر از تلاش عالمان شیعی مذهب افزون تر نبوده، دست کم با آنان برابری داشته است.

گفتند. حضرت زین العابدین به آنها گفت: "گواهی می دهم که شما از کسانی نیستید که خداوند در حق آنها فرموده است: "والذین جاؤوا من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان و لا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم" [حشر: ۱۰]. سپس آنها را از محضر خود بیرون راند."^(۸۸)

محمد بن اسحاق روایت کرده است که حضرت محمد باقر رضی الله عنه فرمود: "هر کس فضیلت ابوبکر و عمر رضی الله عنهم را نداند از سنت چیزی نمی داند."^(۸۹)

محبان واقعی اهل بیت

بدون تردید آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم حق ویژه ای بر امت اسلامی دارند که تنها با ادعای محبت زبانی ادا نمی شود، بلکه محبان واقعی کسانی هستند که از سیره و روش عملی و اخلاقی آل نبوی پیروی کنند. حضرت امام باقر رضی الله عنه فرموده است: "آی جابر! آیا کافی است که کسی بگوید: علی را دوست دارم و در میدان عمل، فعال نباشد؟ ولایت ما جز با عمل و پرهیزکاری میسر نخواهد شد."^(۹۰)

حضرت امام صادق رضی الله عنه می فرماید: "ولایت ما بدون از عمل و پرهیزکاری سودی ندارد."^(۹۱)

همچنین امام صادق نقل کرده است که پدرش فرمود: "خداوند نمی پذیرد که کسی از محبت گروهی دم زند و بر خلاف عمل آنان رفتار کند و با این حال، روز قیامت با آنها در یک منزل فرود آید؛ به رب کعبه سوگند که هرگز چنین نخواهد شد."^(۹۲)

حضرت امام باقر رضی الله عنه می فرماید: "نشانه های محبان ما عبارت است از: تواضع، خشوع، امانت داری، کثرت یاد خدا، کثرت روزه و نماز، نیکی به والدین، مراقبت از همسایگان فقیر و ..."^(۹۳)

همچنین فرمودند: "کسی که مدعی محبت پیامبر و اهل بیت او باشد و از کردار آنان پیروی نکند و با مساکین مجالست نکند، دروغ گو است."^(۹۴)

ویژگی های اهل بیت

۱- مصرف زکات برای آنان حلال نیست. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرموده اند: "ان الصدقة لا تحل لآل محمد"؛ زکات برای آل محمد حلال نیست.^(۹۵)

۲- به موجب آیه ۴۱ سوره انفال و آیه ۷ سوره حشر، یک سهم از خمس غنیمت و "قیء" به آنان اختصاص دارد.

۳- برتری نسبی. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: خداوند از نسل اسماعیل "گناهی" را برگزید، و از نسل کنانه قریش را برگزید، و از میان قریش بنی هاشم، و از میان بنی هاشم مرا برگزید.^(۹۶)

۴- فضایل وارده درباره هر یک از اهل بیت به طور جداگانه.

۵- وجوب محبت اهل بیت.

۶- حق درود بر اهل بیت.

گواه، آنکه امروز مجموعه در خور توجهی از کتابهای حدیث گرد آمده به همت عالمان اهل سنت را در اختیار داریم که یا همگی به فضایل اهل بیت مربوط می شود و یا دست کم بخشی از آن بدین مهم پرداخته است.^(۹۸)

وظیفه ما، در برابر اهل بیت

وظیفه ما، در برابر اهل بیت در یک نگاه عبارت است از:

۱. محبت ذریه پیامبر و دوستی با همه افراد صالح این خاندان؛
۲. محبت ازواج پیامبر - مادران مؤمنان - و اعتقاد به اینکه آنان در دنیا و آخرت همسر و همراه رسول الله بوده و خواهند بود؛
۳. شناخت ویژگی ها، فضایل و حقوق آنان؛
۴. اعلام برائت از نواصب و حق ناشناسان و دشمنان اهل بیت؛
۵. اعلام برائت از غلوکنندگان و افراط کنندگان در فضایل و محبت اهل بیت؛
۶. رعایت اعتدال و موازن شرعی در اظهار محبت اهل بیت؛
۷. پیروی از سیره اهل بیت.

خلاصه و نتیجه گیری

۱. نخستین مخاطبان آیه تطهیر، بر اساس تصریح متن آیه و روایات شأن نزول، ازواج مطهرات خاتم النبیین هستند.
۲. اهل کساء نزدیک ترین و عزیزترین افراد اهل بیت نبوی هستند.

۳. دوستی با اهل بیت و خاندان رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم نشانه ایمان و دشمنی با آنان عسیان و نقص ایمان است.

۴. همسران و فرزندان پیامبر، و خویشاوندانش از نسل عبدالمطلب بن هاشم، اهل بیت ایشان به شمار می آیند.

۵. پیوند همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم با آن حضرت شبیه پیوند نسبی است؛ زیرا این پیوند دایمی است و هنوز هم ادامه دارد.

۶. پیشوایان معروف به "ائمة یازده گانه" در زمان خود، اختران تابناک ایمان و ولایت و پاسداران سنت نبوی بودند، اما عترت نبوی تنها به آنان منحصر نیست.

۷. بنی هاشم و خویشاوندان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم زمانی از اهل بیت آن حضرت به شمار می آیند که مؤمن و پیروش رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باشند و در صورت مخالفت با سنت و روش ایشان از اهل بیت نیستند.

۸. ارتباط و نسبت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با همسرانش قطع شده است و آنان در دنیا و آخرت همسران ایشان هستند.

۹. منظور از بنی هاشم که صدقه بر آنها حرام است، اولاد عباس، حارث و ابوطالب (علی، جعفر و عقیل) هستند نه همه بنی هاشم.^(۹۹)

۱۰. آزار و اذیت اهل بیت چه با گفتار و چه با کردار، حرام است.

خدایا ما را در زمره پیامبر عزیزت و اهل بیت گرامی اش و صحابه و یاران جان نثارش محشور بفرما؛ آمین یا رب العالمین. ■

۱. ر.ک: فرهنگ بزرگ جامع نوین، احمدسیاح؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی،

۱۷) جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، المجلس العلمی کراتشی، ۱۴۲۰، حدیث: ۹۰۰۷.

۱۸) طبری، جامع البیان: ۱۰/۱۲، دارالفکر چاپ اول ۱۴۲۱ ه.ق.

۱۹) قمی، تفسیر کنزالدقائق، جلد: ۱۰، ص: ۳۷۴، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱.

۲۰) عثمانی، قاضی ثناء الله پانی پتی، تفسیر مظهری: ۳۴۷/۷.

۲۱) جمع الفوائد، حدیث: ۸۹۹۸؛ طبرانی، معجم الکبیر: ۴۶/۳.

۲۲) مسند احمد، حدیث: ۲۶۵۵۰، بیت الافکارالدولیه.

۲۳) آلوسی، تفسیر روح المعانی، جلد: ۲۲، ص: ۱۵، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۱۵؛ اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و اهل بیته الطاهرین، علی هاشم نورالابصار، ص: ۱۰۷، چاپ قدیم.

۲۴) مسند احمد، حدیث: ۱۶۹۸۸.

۲۵) ر.ک: ابن حجر، الصواعق المحرقة، باب ۱۱، فصل اول، ص: ۱۱۵-۱۲۰؛ ابن قیم، جلاء الافهام، ص: ۳۳۸.

۲۶) صحیح مسلم، کتاب فضایل الصحابه، باب فضائل اهل بیت النبی، حدیث: ۲۴۲۴.

۲۷) سنن ترمذی، کتاب المناقب، حدیث: ۳۷۸۷.

۲۸) مسند احمد، حدیث: ۲۶۵۰۸، بیت الافکارالدولیه؛ سنن ترمذی، حدیث: ۳۸۷۱. خاصه به معنای نخبه چنانکه حضرت علی از پیامبر نقل کرده است که "اهل القرآن اهل الله و خاصته" (جامع الصغیر، ۱۶۴/۸، دارالکتب العلمیه بیروت).

۲۹) ابن حجر، الصواعق المحرقة، باب ۱۱، فصل اول.

۳۰) النهج السهل الی مباحث الآل و الاهل، ص: ۲۶۵، اداره التصفیف و الادب، ۱۴۱۶.

آذرتاش آذرنوش؛ فرهنگ عمید، لسان العرب، معجم مقاییس اللغة، القاموس المحيط و صحاح اللغة.

۲) فرهنگ جامع نوین، به نقل از لسان العرب.

۳) منهاج السنه، ج ۷، ص: ۷۵-۷۸.

۴) برای تفصیل بیشتر رجوع شود به تفسیر قرطبی و المنتقی للذهبی و تکملة فتح الملهم للشیخ محمد تقی العثماني: ۱۰۶/۵؛ بنات اربعه، تألیف شیخ محمدناقص (۵) سید حسن حسینی، مرجحاً باهل بیت، ص: ۱۷، دارالبشائر الاسلامیه.

۶) واقدی، اسباب النزول، ص: ۲۰۳، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۲؛ لطائف البیال، ص: ۴۹؛ الدر المنثور: ۱۹۸/۵؛ فتح القدر: ۳۳۷/۴؛ تفسیر ابن کثیر: ۵۴۲/۶؛ دارالفتح شارقه، ۱۴۱۹ ه. خالده عبدالرحمن، جامع اسباب النزول، ص: ۲۷۴، کراچی، بی تا. ۷) صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب اباحه الهدیه، حدیث: ۱۰۷۶، دارالاحیاء التراث العربی.

۸) صحیح بخاری، کتاب التفسیر حدیث: ۴۷۹۳.

۹) صحیح مسلم، حدیث: ۱۰۷۵.

۱۰) طوسی، امالی، ص: ۴۰، چاپ نجف، ذیل داستان عروسی حضرت فاطمه.

۱۱) لکنوی، تحفه اهل سنت، ص: ۷۱۷.

۱۲) دهلوی، تحفه اثنا عشریه، ص: ۲۰۴، بحث آیه تطهیر.

۱۳) بحار الانوار: ۸۴/۴۳.

۱۴) ر.ک: پاورقی تفسیر ابن کثیر ذیل آیه ۳۳ سوره احزاب، چاپ دارالفتح، شارقه، ۱۴۱۹.

۱۵) سنن ترمذی، کتاب المناقب، حدیث: ۳۷۸۷.

۱) مشکل الآثار: ۳۳۶/۸، دارصادر، بیروت.

- ۳۱ بحار الانوار، جلد: ۷، باب: ۷، ص: ۴۵۷، احیاء الکتب الاسلامیه.
- ۳۲ صحیح بخاری، کتاب التفسیر، حدیث: ۴۷۹۳.
- ۳۳ هیثمی، مجمع الزوائد، ۳/۲۹۴: ۱۹۰۴، حلیة الاولیاء: ۳/ ۱۷۸؛ بحار الانوار: ۱۵۴/۲۲؛ تفسیر قمی: ۷/۶۲؛ تفسیر صافی: ۴۲۴/۳ (الحمد لله الذی صرف السوء عنا اهل البيت).
- ۳۴ جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، حدیث: ۸۹۹۹، ادارة القرآن، چاپ اول، ۲۰۰۰م.
- ۳۵ امامه، نوه رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از دخترش زینب رضی الله عنها بود رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم او را بسیار دوست داشت. در روایات آمده است که روزی آن حضرت وارد مسجد شد و امامه روی دوش ایشان بود، با همان حال نغاز را شروع کرد و هنگام رکوع و سجده او را بر زمین گذاشت. صحیح بخاری، کتاب الصلاة، باب ۱۰۶، حدیث: ۵۱۶۲ زرقانی: ۲۵۵۳؛ طبقات: ۲/۸، بعد از وفات حضرت فاطمه، حضرت علی امامه را به همسری گرفت.
- ۳۶ صحیح بخاری، کتاب الرقاق، حدیث: ۶۴۶۰؛ صحیح مسلم، کتاب الزکاة، حدیث: ۱۰۵۵.
- ۳۷ سنن ابن ماجه، کتاب الزهد، حدیث: ۴۱۴۷.
- ۳۸ سنن ابن ماجه، کتاب الزهد، حدیث: ۴۱۴۸.
- ۳۹ سنن نسائی، حدیث: ۴۰۳۸.
- ۴۰ صحیح مسلم، کتاب الصلاة علی النبی بعد التشهد، حدیث: ۴۰۷ (حدیث متفق علیه است).
- ۴۱ اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بيته الطاهرين، علی هامش کتاب نور الابصار، ص: ۱۱۳ سنن ابن ماجه، کتاب السنة، حدیث: ۱۴۰، دارالفکر بیروت؛ کنز العمال، حدیث: ۳۴۱۶۰.
- ۴۲ جمع الفوائد، حدیث: ۹۰۰۲.
- ۴۳ مناهل الابرار فی تلخیص بحار الانوار، ۳۷۰/۵، انتشارات عالمه، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ؛ کنز العمال: ۷۵۶/۱۱.
- ۴۴ سنن ترمذی، حدیث: ۲۳۵۹.
- ۴۵ سنن ترمذی، باب ۳۸، حدیث: ۲۳۶۰.
- ۴۶ صحیح مسلم، کتاب الزهد، حدیث: ۲۹۷۲.
- ۴۷ سنن ترمذی، حدیث: ۲۳۵۸.
- ۴۸ صحیح بخاری، حدیث: ۶۶۸۷؛ صحیح مسلم، حدیث: ۲۹۷۰.
- ۴۹ مسند احمد، حدیث: ۲۲۳۰۶.
- ۵۰ نهج البلاغه، نامه نهم.
- ۵۱ صحیح مسلم، کتاب الزکات، باب ۵۲، حدیث: ۱۰۷۶؛ سنن نسائی، کتاب الزکات، باب ۹۵، حدیث: ۲۶۱۱، المكتبة العصرية.
- ۵۲ ابن قدامه، المغنی، کتاب الزکاة، فصل تحريم الصدقة علی أزواج رسول الله، ۱/ ۵۲۴، بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴م.
- ۵۳ شیخ صدوق، الامالی، جلد: ۲، مجلس: ۴۹، ترجمه فارسی، ص: ۴۶۶، انتشارات وحدت بخش، چاپ اول، ۸۴.
- ۵۴ سنن نسائی، کتاب قسم الفیء، حدیث: ۴۱۳۶.
- ۵۵ اسعاف الراغبین علی هامش نور الابصار، ص: ۱۰۸.
- ۵۶ شیخ مفید، الاختصاص، ص: ۳۷.
- ۵۷ شیخ مفید، الاختصاص، ص: ۳۷.
- ۵۸ مسند احمد: ۳۷۴/۵، دارالفکر؛ ابن قیم، جلاء الافهام، ص: ۱۱۹.
- ۵۹ صفة صلاة النبی، ص: ۱۲۹، المكتب الاسلامی بیروت، چاپ چهاردهم، ۱۴۰۸.
- ۶۰ ابن قیم، جلاء الافهام، ص: ۱۱۹، دارالقلم و وكالة المطبوعات کویت، چاپ دوم، ۱۹۸۱م.
- ۶۱ از غلو در دین بهره‌یز، (سنن نسائی، کتاب المناسک، ص: ۲۱۷).
- ۶۲ ابن جزی، التسهیل لعلوم التنزیل (تفسیر ابن جزی)، ص: ۵۶۱، دارالکتب العربی، ۱۴۰۳هـ.
- ۶۳ رازی، التفسیر الکبیر، ج: ۲۵، ص: ۲۰۹، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی تا.
- ۶۴ قرطبی، الجامع الاحکام القرآن: ۱۸۳/۱۴، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۶۵ روح المعانی: ۱۹/۲۲، دار احیاء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ هـ.
- ۶۶ تفسیر مظهری: ۳۳۲/۷ - ۳۳۴، مکتبه عثمانیه، کویته.
- ۶۷ قمی، تفسیر کنز الدقائق: ۳۷۳/۱۰، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۴۱۱هـ.
- ۶۸ نقل از تحفة اهل سنت، ص: ۷۲۵.
- ۶۹ الأجرى، کتاب الشریعه، ۲۲۷/۵، نقل از "من هم اهل البيت".
- ۷۰ صدیق حسن خان، الذین الخالص: ۴۶۲/۳.
- ۷۱ شرح عقیده واسطیه: ۲۷۳/۲.
- ۷۲ روحانی، لطائف البال فی الفروق بین الاهل و الآل، ص: ۷۵.
- ۷۳ رازی، التفسیر الکبیر: ۱۶۷/۲۷، ذیل آیه مودت، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۷۴ المرتضی به نقل از واقدی.
- ۷۵ المرتضی، ص: ۱۹۹.
- ۷۶ اصفهانی، ابونعیم، حلیة الاولیاء: ۱۴۷/۳.
- ۷۷ همان منبع: ۱۹۳/۲.
- ۷۸ صفة الصفوة: ۱۰۳/۲.
- ۷۹ وفيات الاعیان: ۴۳۴/۲.
- ۸۰ حلیة الاولیاء: ۱۳۶/۳.
- ۸۱ مسند احمد: ۳۳۶/۴، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ دوم؛ ابن رجب، جامع العلوم و الحکم، دارالفجر للتراث، ۱۴۲۰هـ.
- ۸۲ نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷.
- ۸۳ شیخ صدوق، الامالی، مجلس: ۳۸.
- ۸۴ طوسی، رجال کشی، فقرة ۴۰۳، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۸۵ رجال کشی، فقرة ۵۳۹.
- ۸۶ روح المعانی: ۳۷/۲۵.
- ۸۷ صفة الصفوة: ۵۵۲.
- ۸۸ همان منبع.
- ۸۹ اصول کافی: ۷۴/۲؛ طبرسی، مشکاة الأنوار، ص: ۱۲۱.
- ۹۰ اصول کافی: ۷۵/۲؛ بحار الأنوار: ۹۷/۶۷.
- ۹۱ اصول کافی: ۲۵۴/۱۱.
- ۹۲ اصول کافی: ۷۴/۲؛ بحار الأنوار: ۹۷/۶۷.
- ۹۳ طبرسی، مشکاة الأنوار، ص: ۱۲۱.
- ۹۴ مسند احمد: ۲۷۹/۲.
- ۹۵ صحیح مسلم، کتاب الفضائل، حدیث: ۲۲۷۶.
- ۹۶ صحیح مسلم، کتاب الذکر و الدعاء، حدیث: ۲۶۹۹.
- ۹۷ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص: ۳۶۰.
- ۹۸ یادداشت پژوهشگران بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی بر کتاب "مناب اهل بیت از دیدگاه اهل سنت"، تألیف: سیدمحمدطاهر هاشمی.
- ۹۹ روحانی، لطائف البال فی الفروق بین الاهل و الآل، ادارة التصنیف و الادب لاهور.